

## انجام جهاد کبیر در آوردگاه موسم و مناسک حج

حمید مروجی طبسی<sup>۱</sup>

### چکیده

واژه جهاد کبیر در آیه **﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾** (فرقان: ۵۲) ذکر شده است و به ویژگی‌هایی از جمله: تلاش حد اکثری و استفاده از همه امکانات، توجه به گستردگی مکان، زمان و مخاطب و استمرار و خستگی‌ناپذیری اشاره دارد.

مسئله پژوهش حاضر این است: از آنجا که جهاد کبیر، غیرنظامی است، آیا موسم و مراسم حج می‌تواند زمینه، ظرفیت و آوردگاه مناسبی برای انجام این جهاد بر پایه آموزه‌های قرآن کریم و مجموعه‌ای از اقدامات در برابر خواسته‌های دشمنان به شمار رود؟ در حقیقت این تحقیق به دنبال نقایطی از مناسک حج است که حاجیان و جامعه اسلامی با رعایت آنها می‌توانند به فرمان جهاد کبیر با رویکرد مخالفت با دشمنان جامعه عمل بپوشانند؛ زیرا صرف انجام مناسک حج بدون توجه به اهداف شیاطین و دشمنان، جامعه اسلامی را به اهداف حج ابراهیمی و محمدی **ﷺ** نمی‌رساند و لازم است این مهم در مسیر رسیدن به جامعه توحیدی انجام پذیرد؛ جهاد کبیر نیز در این مسیر یاری‌کننده خواهد بود. در همین راستا در این پژوهش ضمن بر شمردن آرزوهای قلبی دشمنان، بر اساس آموزه‌های قرآن کریم به ظرفیت‌های موجود در موسم و مراسم حج می‌پردازیم و یافته‌های جدید را در قالب دو دسته از راهکارهای اختصاصی و عمومی در حج که زمینه‌ساز جهاد کبیر است، بیان می‌کنیم. در این تحقیق برای رسیدن به مطلوب از روش تحقیق موضوعی درون‌قرآنی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** جهاد کبیر، آیه جهاد کبیر (فرقان: ۵۲)، مناسک حج، مخالفت با کافران، راهکارهای عمومی و اختصاصی

۱. دانش‌آموخته دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

بحث جهاد کبیر در آیه ﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾: «از کافران اطاعت مکن و به حکم خدا با آنها جهاد کن، جهادی بزرگ»؛ (فرقان: ۵۲) مطرح شده است که با توجه به مکی بودن سوره فرقان (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۶) و سیاق آیات مکی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۶۴-۶۶) جهاد کبیر چنین تعریف می شود: بسته کامل و جامعی است از راهکارهای غیر نظامی برای مقابله با دشمنان یا برخورداری از قدرت نرم که جامعه اسلامی را در برابر هرگونه تهاجم و تسلط غیر نظامی مصون می سازد.

دیدگاه‌های مختلفی در تعیین مرجع ضمیر «به» وجود دارد که مهم‌ترین آنها دو دیدگاه است: یکی مرجع ضمیر را قرآن کریم (از جمله: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۲۷۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۱؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۲۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۴۸؛ قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۵۷۲؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۹، ص ۷۵) و دیگری مرجع ضمیر را عدم اطاعت از کافران می داند. (از جمله: فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸۷۱؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۴۵؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۳۳؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۹، ص ۷۸)

آیت الله خامنه‌ای<sup>مدظله</sup>، ابتدا مرجع ضمیر «به» را قرآن دانستند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۳) سپس به فاصله اندکی از بیان این نظر، ضمن اشاره به اینکه واژه «قرآن» در آیه ذکر نشده است، وجه اقرب به ذهن و واضح تری را مطرح کردند که همانا مرجعیت مصدر «عدم الإطاعة» برای ضمیر «ها» است و «فَلَا تُطِيعُ» از آن مصدر انشقاق یافته، و مستتر در آن فعل است؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۶) در نتیجه ایشان بازگشت ضمیر «ها» به عدم پیروی از دشمن را نسبت به نظر دیگر ترجیح دادند و آن را قوی تر دانستند.

نگارنده بر آن است که مرجع ضمیر «ها» در آیه جهاد کبیر، «عدم اطاعت از

کافران بر پایه آموزه‌های قرآن کریم» است؛ چراکه از سویی با توجه به عطف شدن (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۹، ص ۳۱) جمله ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ به جمله ﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ﴾، مناسب است ضمیر را به نزدیک‌ترین مرجع ممکن، که همین جمله است، بازگرداند؛ زیرا ارجاع ضمیر جمله دوم به جمله اول و معطوف، نسبت به بازگرداندن ضمیر به واژه مقدر (قرآن)، مناسب‌تر است. برخی از مفسران نیز این احتمال را ظاهر یا آشکارتر نسبت به احتمال ارجاع ضمیر به قرآن مطرح کرده‌اند. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۵۵) از سوی دیگر، راه‌های توسعه و گسترش فرهنگ جهاد کبیر از قرآن کریم قابل استخراج و عرضه است، پس مرجع ضمیر «ها» در این آیه «عدم اطاعت از کافران بر پایه قرآن کریم» است.

در آیه جهاد کبیر از ضمایر مفرد مخاطب استفاده شده است و قرآن نیز بر قلب پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ در نتیجه مخاطب آیه حضرت رسول ﷺ است، (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۴۷۵؛ حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۳۰) اما دلایلی وجود دارد که مخاطب این آیه، تنها رسول خدا ﷺ نیست بلکه همه افراد جامعه، در همه زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود؛ این دلایل عبارتند از:

۱. قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب»: (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۳) طبق این قاعده مخاطب آموزه‌ها و فرامین قرآن اختصاص به حضرت رسول ﷺ ندارد و مخاطب نهایی آیه، آحاد جامعه اسلامی هستند.

۲. قاعده جری: در بیان امام باقر علیه السلام درباره ویژگی‌های قرآن کریم نقل شده است:

﴿مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَمِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾

برخی در گذشته اتفاق افتاده و برخی هنوز نیامده است. [قرآن] مانند آفتاب و

ماه در جریان است. (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۱۹۶)

۳. خطاب خاص و مراد عام در قرآن. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰)

۴. نزول قرآن از باب «ایاک اعنی و اسمعی یا جاره»: در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِیَاکَ أَعْنِیَ وَاسْمَعِیَ یَا جَارَةَ»؛ «قرآن مانند این ضرب‌المثل عربی نازل شده است که به تو می‌گویم، ولی ای همسایه! تو گوش کن». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۱)

۵. اسوه بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در قرآن کریم چنین معرفی شده است:  
 ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَاليَوْمَ الآخِرَ وَ  
 ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب: ۲۱)

برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می‌دارید و خدا را فراوان یاد می‌کنید، شخص رسول‌الله مقتدای پسندیده‌ای است.

۶. قرینه بودن عمومیت و جوب آیات جهاد بر همگان.

۷. هدایت‌گری دائمی قرآن برای همه انسان‌ها.

۸. آرای مفسران فریقین. (کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۵۷۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۹، ص ۴۰۹؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۹، ص ۳۵۳؛ خفاجی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۱۴۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۷)

با توجه به دلیل‌های مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که مخاطب آیه، تنها رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیستند، بلکه همه افراد جامعه اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌ها را شامل می‌شود؛ در نتیجه هر یک از افراد امت اسلامی می‌توانند در حد توان خود در برابر اقدامات متجاوزانه دشمنان مقابله کنند و سهم خود را در انجام جهاد کبیر ایفا کنند. اکنون سؤال اینجاست که آیا حج‌گزاران که عضوی از جامعه اسلامی هستند نیز امکان اجرای جهاد کبیر را دارند؟ و آیا مناسک حج زمینه‌ساز اقدام برای جهاد کبیر است؟

یکی از ظرفیت‌های اجرای جهاد کبیر، موسم و مراسم عظیم حج است که مسلمانان از نقاط مختلف جهان گرد هم می‌آیند و می‌توانند قدرت خود را در برابر دشمنان به نمایش بگذارند و عدم اطاعت از آنها را در عمل نشان دهند. در حقیقت، موسم و مناسک حج به مثابه آوردگاه و عرصه نبرد فرهنگی با دشمنان در نظر گرفته می‌شود که زمینه‌ساز اجرای جهاد کبیر است. بر همین اساس، مقاله

پیش رو یکی از زمینه‌های انجام جهاد کبیر با رویکرد «عدم اطاعت از کافران» را مراسم حج می‌داند، و آن را در اختیار مسئولان و آحاد امت مسلمان قرار می‌دهد تا جامعه اسلامی که از هر سو مورد تهاجم‌های غیر نظامی دشمنان قرار گرفته‌اند، بتوانند با الگوگیری از دستورات قرآن کریم، ضمن عمل به وظایف خود، به تحقق برتری دین اسلام بر سایر ادیان و مکاتب مدد رسانند.

### پیشینه

از آنجا که یکی از پایه‌های این تحقیق آیه جهاد کبیر (فرقان: ۵۲) است، طبیعتاً شرح و تفسیر آن آیه می‌تواند به نوعی از سوابق بخشی از این پژوهش محسوب شود؛ اما به صورت خاص برخی منابع مکتوب در موضوع جهاد کبیر را معرفی می‌کنیم که البته آنها نیز بیانگر رابطه حج و جهاد کبیر و امکان انجام این جهاد در موسم حج نیست؛ به تعبیر دیگر در بیان ارتباط حج و جهاد کبیر نگاشته‌ای یافت نشد.

کتاب‌هایی که در موضوع جهاد کبیر به رشته تحریر در آمده است را در دو دسته کلی می‌توان معرفی کرد: یکی منابع عام در این موضوع که عموم کتاب‌های تفسیری است و در زمان‌های مختلف نگاشته شده است و دیگری منابع اختصاصی موضوع جهاد کبیر که در قالب‌های مختلف به رشته تحریر در آمده است؛ کتاب‌هایی با عناوینی همچون: جهاد کبیر: اطاعت نکردن از دشمن، اثر محسن مطلبی جونقانی؛ جهاد کبیر: مبانی دیپلماسی انقلابی از منظر قرآن کریم، اثر عباس عبداللهی؛ جهاد کبیر؛ دست ردی بر سینه دشمن، اثر محققان مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی.

همچنین برخی از مقالاتی که در موضوع جهاد کبیر نگاشته شده است عبارتند از: «جهاد؛ مقوله‌ای فرهنگی- اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی»، اثر محمد جانی‌پور و محمدرضا ستوده‌نیا؛ «چیستی جهاد کبیر و نسبت آن با عدم اطاعت از کافران»، اثر محمدرضا بخشی.

با وجود منابع فوق و منابع متعددی که در موضوع حج و در قالب‌های

متنوع کتاب، مجلات، مقالات و پایان‌نامه‌ها نگاشته شده، اما حقیقت آن است که تا کنون هیچ پژوهش مستقلی در موضوع رابطه متقابل جهاد کبیر و حج نگاشته نشده، و تحقیق حاضر در نوع خود بدون سابقه است.

### جایگاه جهاد کبیر در ادبیات دینی

در ادبیات دینی از سه نوع جهاد نام برده شده است:

۱. جهاد اصغر: این جهاد درباره جنگ نظامی با دشمنان و مقاتله با آنان است؛ همچنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گروهی از مسلمانان که از جنگ باز می‌گشتند، فرمودند: «آفرین بر آنان که جهاد اصغر را به انجام رساندند». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲)

۲. جهاد کبیر: از این جهاد تحت عنوان جهاد فرهنگی (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۱۵۰) یاد می‌شود و در برابر انحرافات، کژی‌ها، وسوسه‌ها و سفسطه‌های دشمنان انجام می‌گیرد. در آیه ۵۲ سوره فرقان آمده است: ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدُهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيرًا﴾؛ «از کافران اطاعت مکن و به حکم خدا با آنها جهاد کن، جهادی بزرگ». حضرت آیت الله خامنه‌ای در تعریف این نوع از جهاد فرموده‌اند:

اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر... «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر، از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر». (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۳)

۳. جهاد اکبر: این جهاد برای مبارزه با نفس است؛ یعنی ایستادن در برابر خواسته‌های نامشروع و تمایلات غیر منطقی نفسانی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله

پس از تحسین مجاهدان عرصه نظامی به آنان تذکر می‌دهد که جهاد اکبر باقی مانده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲) و در پاسخ به این پرسش که «آیا جهادی بالاتر از جهاد نظامی وجود دارد؟» فرمود: «بله، جهاد انسان با نفس خویش». (علی بن موسی رضی الله عنه، ۱۴۰۶ق، ۳۸۰) همچنین حضرت فرمودند: «بالاترین جهاد، مبارزه با نفس انسان است که بین دو پهلویش است». (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ۴۶۷)

بر اساس آنچه گذشت جهاد کبیر گونه‌ای از جهاد به معنای مبارزه با دشمنان بدون استفاده از ابزار جنگی در عرصه‌های گوناگون با رویکرد مخالفت با خواسته‌ها و دستورات آنان است.

### ویژگی‌های جهاد کبیر و زمینه انجام آن در موسم حج

در این بخش برخی از ویژگی‌های جهاد کبیر و جهادگران این عرصه، که در موسم حج نیز کاربرد دارد، بیان می‌شود. تلاش حد اکثری و همه‌جانبه، استفاده از انواع ابزارها و نیروها و انجام اقدامات مختلف، (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۶۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۲۹؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۴۸۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۵۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۴، ص ۴۷۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۶؛ نووی جاوی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ مظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴۲) پرهیز از سستی و ضعف در انجام جهاد کبیر با توجه به صیغه مبالغه، (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۷۴) و رعایت مقتضیات زمان و مکان در استفاده از امکانات، (حجازی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۳۰) از ویژگی‌های جهاد کبیر است.

برخی از مفسران بزرگ جهاد کبیر را در ابعاد مختلف از جمله گستره زمانی و برای همه زمان‌ها و نه فقط در زمان نزول وحی (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ق، ج ۲۱، ص ۳۲۴) و برخی نیز گستره مکانی جهاد کبیر را برای همه مردم دنیا و نه فقط برای مردم مکه (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۱۱۷؛ ابوالسعود، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۰، ص ۳۲؛ شبر، ۱۴۰۷ق،

ج ۴، ص ۳۶۳) دانسته‌اند.

ویژگی استمرار و پیوستگی برای جهاد کبیر در بعضی تفاسیر فریقین ذکر شده که نشان از لزوم وجود روحیه خستگی‌ناپذیری در جهادگر این عرصه دارد. (فیضی دکنی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۰۲؛ مغنیه، بی‌تا، ص ۴۷۶؛ واحدی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۸۱؛ میدی، ۱۳۷۱ق، ج ۷، ص ۴۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۳، ص ۵۸؛ صابونی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۳۶؛ زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۸۰۶؛ جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۲۳؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۴۳۲)

بر اساس آنچه گفته شد، جهاد کبیر در زمان کنونی و از جمله در موسم حج نیز قابلیت انجام دارد و حاجیان می‌توانند با روحیه مجاهدانه، تلاش حداکثری خود را در پیاده‌سازی فرمان الهی جهاد کبیر با کافران از مسیر عدم اطاعت از آنان به کار بندند. پیمودن این مسیر، راهکارهایی را می‌طلبد که در ادامه طی دو عنوان راهکارهای عمومی و اختصاصی انجام جهاد کبیر در حج، بیان می‌شود.

#### ۱. راهکارهای عمومی جهاد کبیر در حج

برای انجام جهاد کبیر لازم است خواسته‌های دشمنان شناخته شود و بر همان اساس، رفتار جامعه اسلامی در مخالفت با آنها تنظیم شود. دسته‌ای از راهکارهای جهاد با دشمنان، اختصاص به حج ندارد و در هر عمل دینی می‌توان از آنها بهره برد، اما از آنجا که آن راهکارها از آیات حج استخراج شده، تحت عنوان راهکارهای عمومی مرور می‌شود:

#### الف) فرمان‌بری از خداوند در برابر کفرطلبی

یکی از خواسته‌های دشمنان، گرایش احاد جامعه اسلامی به کفر و ارتداد است:

﴿وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ﴾ (بقره: ۱۰۹)



بسیاری از اهل کتاب با آنکه حقیقت بر آنها آشکار شده، از روی حسد دوست دارند شما را پس از ایمان آوردنتان به کفر بازگردانند.

بسیاری از اهل کتاب، به ویژه یهودیان، به واسطه حسادتشان نه تنها به اسلام ایمان نمی‌آوردند بلکه اصرار داشتند که مسلمانان نیز از ایمانشان بازگردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹) این ویژگی در زمان حاضر نیز وجود دارد؛ زیرا دشمنان اسلام از روی حسادت، سعادت امت اسلامی را نمی‌خواهند و دوست‌دار گرایش مسلمانان به کفر و مخالفت با اسلام هستند.

خدای متعال در مقابل این خواسته دشمنان، با دستور به انجام حج، زمینه مخالفت با آنان را فراهم می‌کند؛ از سویی رهبر الهی را با فرمان ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ﴾؛ «و مردم را به حج فرا خوان» (حج: ۲۷) و ادار به دعوت عموم مردم به حج می‌کند (دهقان، ۱۳۸۸ش، ص ۲۲۲) و از سوی دیگر انجام حج را با آیه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾؛ «برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است» (آل عمران: ۹۷) بر افراد توانمند واجب فرمود. (دهنی، ۱۴۳۱ق، ص ۴۷)

#### ب) ایمان و عبادت در برابر گمراهی

بر اساس بعضی از آیات قرآن کریم، گروهی از دشمنان دوست دارند که مسلمانان گمراه شوند و مسیر ضلالت را طی کنند؛ ﴿وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ﴾؛ «طایفه‌ای از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه کنند». (آل عمران: ۶۹) در مقابل این تمایل دشمنان، خدای متعال با فرمان به انجام حج و تبیین دقیق مناسک آن، مانع هرگونه گمراهی و انحراف جامعه اسلامی شده است: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ﴾؛ «برای هر امتی آیینی نهادیم تا بر آن آیین باشد». (حج: ۶۷) در این آیه اشاره شده که برنامه‌های عبادی، که از جمله آنها حج و قربانی است، از سوی خداوند تشریح شده و مردم ملزم به رعایت آنها

هستند. (طوسی، بی تا، ج ۷، ص ۳۳۸)

قرآن کریم همچنین با تعیین جهت گیری مراسم حج، از انحراف مسلمانان جلوگیری کرده است: ﴿وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ﴾ «حج و عمره را برای خدا کامل به جای آرید». (بقره: ۱۹۶) واژه «لِلَّهِ» این نکته را متذکر می شود که حج و عمره دو واجب عبادی اند و اقتضای آن این است که در انجام حج باید پیرو دستور خداوند بود؛ بر همگان لازم است آن فرمان را اطاعت کنند. (جوادی آملی، زمستان ۱۳۸۹ ش، ج ۱۰، ص ۳۳-۳۴)

از سوی دیگر قرآن کریم نجات از گمراهی را از جمله حکمت های ذکر الهی در اعمال حج (همان، ج ۱۰، ص ۱۶۴) معرفی کرده است:

﴿فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾ (بقره: ۱۹۸)

و چون از عرفات بازگشتید خدا را در مشعرالحرام یاد کنید، از آن رو که شما را هدایت کرده، درحالی که پیش از آن گمراه بوده اید.

آیه تصریح می کند که انجام حج در برابر خواسته های دشمنان قرار دارد. آنان گمراهی امت اسلامی را خواستارند، اما مناسک حج و ذکر الهی در موسم حج، انسان ها را از ضلالت رهایی می بخشد. پس احکام دینی و به ویژه عمل عبادی حج دستور خاصی برای انجام دارد که رعایت آن مسلمانان را از انحراف، گمراهی و کژروی حفظ می کند. نیت حاجی باید الهی باشد و طبق دستور الهی به انجام مناسک حج پردازد و از هرگونه پیروی کورکورانه از پیشینیان، که رفتارهای جاهلی را در حج وارد ساختند، پرهیز کند. نتیجه اینکه اطاعت از فرامین الهی در ادای حج و قصد قربت در این عمل، به نوعی مخالفت با خواسته های دشمنان در به گمراهی کشاندن مسلمانان و استفاده از این ظرفیت در انجام جهاد کبیر است.

### ج) توحیدورزی و اجتناب از شرک در برابر تبعیت از طاغوت

به تعبیر قرآن کریم دشمنان جامعه اسلامی پیروی مسلمانان از طاغوت را می‌پسندند و آرزوی شرک‌ورزی آنان را در سر می‌پروراندند: ﴿يُرِيدُونَ أَن يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَن يَكْفُرُوا بِهِ﴾؛ «می‌خواهند که بت را حکم قرار دهند، درحالی که به آنان گفته‌اند که بت را انکار کنند». (نساء: ۶۰) این آیه به سرزنش مسلمانانی پرداخته که برای داوری و قضاوت به حاکمان باطل مراجعه می‌کردند، درحالی که از چنین کاری منع شده بودند. همچنین به عنوان یک حکم عمومی برای همه مسلمانان در همه زمان‌ها و مکان‌ها، اخطار می‌کند که مراجعه به حاکمان باطل و داوری خواستن از طاغوت، با ایمان به خدا و قوانین الهی سازگار نیست و انسان را به بی‌راهه‌هایی می‌کشاند که یکی از عوامل عقب‌گرد جامعه اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۴۴۶)

چنان‌که در بخش دوم آیه آمده است، مسلمانان مأمور به مخالفت با طاغوت و دشمنان شده‌اند. این مسئله در موسم حج نیز نمود دارد و خداوند حج‌گزاران واقعی را کسانی می‌داند که تنها حکم الهی را می‌پذیرند و برای خدا شریک قائل نمی‌شوند: ﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ﴾؛ «روی آوردگان به خدا باشید و شرک نیاوردگان به او» (حج: ۳۱) و وحدانیت خداوند را سرلوحه مناسک و اعمال خود قرار می‌دهند؛ ﴿قَالِهِمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا﴾؛ «پس خدای شما خدایی یکتاست، در برابر او تسلیم شوید!» (حج: ۳۴) به تعبیر دیگر، مسلمانان امر شده‌اند که از جنگ زدن به دامن طاغوت اجتناب کنند، هرچند که آنان دوست دارند مرجع حل مشکلات و اختلافات مسلمانان باشند.

### د) رفتار برادرانه با دیگر مسلمانان در برابر دشمنی و خشم

یکی دیگر از خواسته‌های دشمنان درباره جامعه اسلامی، ایجاد دشمنی و بغض و کینه بین مسلمانان نسبت به یکدیگر است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ﴾؛ «شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان

شما کینه و دشمنی افکند». (مأئده: ۹۱) در این آیه از جمله وسایل وقوع دشمنی میان آحاد امت اسلامی، ترویج شراب و قمار معرفی شده است؛ زیرا نوشیدن شراب باعث تحریک اعصاب می‌شود و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را هیجانی می‌کند. در این حالت چنانچه فرد اقدام غضبناک یا شهوت‌آلودی را انجام دهد حتماً ثمرات تلخی گریبان او را خواهد گرفت. از سوی دیگر قمار نیز مال و آبروی فرد را در کوتاه‌ترین زمان به مخاطره می‌اندازد و چه بسا آن را از بین می‌برد. در نتیجه استفاده از هر یک از دو ابزار قمار یا شراب، زندگی حسرت‌بار همراه با خشم و عصبانیت از خود و دیگران را به دنبال دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲۲-۱۲۳) بدیهی است ذکر قمار و شراب، از باب بیان بعضی از ابزارهای گسترش دشمنی و کینه بین مسلمانان است؛ چه اینکه خدای متعال در حج از جدال نیز به عنوان یکی از ابزارهای خصومت نهی کرده است: «وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ»؛ «در حج جدال نیست». (بقره: ۱۹۷) خدای متعال در این آیه تذکر می‌دهد که محیط حج باید از گفت‌وگوهای بی‌فایده و کشمکش‌های بیهوده پاک باشد؛ زیرا روح انسان باید از این محیط عبادت‌نیرو بگیرد. در عین حال باید در این محیط رشته الفت، اتحاد و برادری میان مسلمانان محکم شود. پس هر کاری که با این امور منافات داشته باشد، ممنوع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۴-۵۵)

خدای متعال به حاجیان بیت‌الله‌الحرام فرمان داده است که با رفتار برادرانه در موسم حج، نقشه‌های اختلاف برانگیز دشمنان را نقش بر آب کنند. این دستور الهی تمرینی برای تک‌تک حاجیان است که ضمن پایبندی به آن در موسم حج، آن را در سراسر زندگی و در هر مکان و زمان گسترش دهند و با دوری از کینه و خشم نسبت به یکدیگر، که خواسته قلبی دشمنان است، از این طریق جهاد کبیر را در زندگی خویش جاری سازند.

#### ه) رعایت تقوا در برابر گسترش فساد

از جمله آرزوهای دشمنان، گسترش فساد و فحشا در جامعه اسلامی است. خداوند متعال با اشاره به چنین میلی از مخالفان به آنان وعده عذاب را در دنیا و آخرت داده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ  
الْآخِرَةِ﴾ (نور: ۱۹)

برای کسانی که دوست دارند درباره مؤمنان تهمت زنا شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست.

در تفاسیر آمده است که عذاب دردناک در دنیا اشاره به حدود و تعزیرات شرعی و واکنش‌های اجتماعی، همچنین محرومیت آنان از شهادت در دادگاه است و عذاب دردناک آخرت نیز دوری از رحمت خدا، خشم و غضب الهی و ورود به دوزخ است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۰۳-۴۰۴)

از جمله راهکارهای قرآن کریم برای مقابله با این خواسته دشمنان، تعظیم شعائر الهی توسط حج‌گزاران است؛ زیرا تعظیم شعائر الهی نشانه تقوای قلب‌ها است و این تقوا دشمنان را از رسیدن به خواسته‌هایشان دور می‌سازد: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾؛ «آری، کسانی که شعائر خدا را بزرگ می‌شمارند کارشان نشان پرهیزگاری دل‌هایشان باشد». (حج: ۳۲)

منظور از بزرگداشت شعائر، بالا بردن مقام و موقعیت این شعارها در افکار و ذهن‌هاست. تقوا و انجام فرمان‌های الهی نیز از قلب و روح آدمی سرچشمه می‌گیرد و به جسم منتقل می‌شود. بر همین اساس در قرآن کریم، بزرگداشت شعائر الهی از نشانه‌های تقوای دل شمرده شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۳۳) بنابراین تعظیم شعائر الهی در موسم حج زمینه‌ای برای انجام جهاد کبیر در راستای مخالفت با خواسته دشمنان در گسترش فساد است.

## ۲. راهکارهای اختصاصی جهاد کبیر در حج

### الف) اتحاد و اجتماع در مقابل تفرقه‌طلبی

دشمنان از راه‌های گوناگون به دنبال ایجاد تفرقه در جامعه اسلامی هستند و تمایل قلبی آنان بر وجود چنددستگی و تفرقه میان امت اسلامی است. دشمن گاهی به تلاش خود جلوه دینی می‌دهد تا بخش بیشتری از جامعه اسلامی را گرفتار کند؛ چه اینکه دشمنان صدر اسلام با ساخت مسجد ضرار به دنبال تفرقه بین احاد امت اسلامی بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۷، ص ۳۲۸) و خداوند پرده از نقشه شوم آنان برداشت: ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضَرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ «آنهايي که مسجدی می‌سازند تا به مؤمنان زیان رسانند و میانشان کفر و تفرقه اندازند». (توبه: ۱۰۷) در معنای ﴿وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ گفته شده گروه‌گروه شدن مسلمانان از مقاصد دشمنان بوده است تا برخی از مؤمنان در مسجدی و برخی دیگر در مسجدی دیگر نماز برپا کنند و از این راه، اختلاف کلمه ایجاد کنند و انس و الفت میان مسلمانان را از بین ببرند. (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۸)

در مقابل خواسته دشمنان مبنی بر اختلاف میان مسلمانان، راهکاری که از آیات حج استخراج می‌شود این است که خداوند متعال در دستور به حج‌گزاری، گرد آمدن کنار کعبه را ظرفیتی برای اجتماع و اتحاد امت اسلامی برای مخالفت با دشمنان خوانده است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْناً﴾؛ «و کعبه را جایگاه اجتماع و مکان امن مردم ساختیم». (بقره: ۱۲۵) در این آیه بر اساس معنای «مثابه»، که به جایی گفته می‌شود که هر بار بدان بازگشت می‌شود، (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۴۴) کعبه مرجع مکرر مردم معرفی شده است. پس این خانه، ملجأ و وطن اصلی مردم و مرجع عمومی آنان است که به سمت آن باز می‌گردند؛ زیرا کعبه مظهر فطرت توحیدی انسان است. همچنین تعبیر «لِّلنَّاسِ» می‌فهماند که کعبه بازگشتگاه عموم مردم است، پس وحدت مرجع، زمینه اتحاد بازگشت‌کنندگان را فراهم می‌سازد؛ زیرا احساس وحدت مقصد،

وسيله مناسبی برای تعامل فکری و فرهنگی خواهد بود. خدای سبحان، کعبه را برای وحدت جهانی آفرید تا همه مردم با عنایت به اصول ارزشمند توحیدی از زندگی مسالمت‌آمیز برخوردار شوند. (جوادی آملی، تابستان ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۵۴۱-۵۶۴)

همچنان که وحدت مکان حج‌گزاری نمایش‌دهنده اتحاد مسلمانان است، یکسانی در مناسک (حج: ۲۸ و ۲۹) نیز جلوه دیگری از وحدت امت اسلامی است. علامه طباطبایی می‌نویسد:

وقتی افراد با همه تفاوت‌ها از نقاط مختلف، برای انجام حج در یک جا جمع شوند، یکدیگر را می‌شناسند و نسبت به اشتراکات فراوانشان آگاه می‌شوند، این اتحاد روحی مسلمانان را به اتحاد جسمی و تشابه در عمل می‌کشد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ش، ج ۱۴، ص ۳۶۹)

بدیهی است یک‌دست شدن مسلمانان و تشکیل جامعه متحد اسلامی در برابر خواسته‌های دشمنان، نوعی جهاد کبیر است که در موسم حج به نمایش درمی‌آید و از تحقق خواسته کافران جلوگیری می‌کند.

#### ب) دستگیری از نیازمندان در مقابل عدم خیرخواهی

خداوند متعال در قرآن کریم از کینه‌توزی دشمنان نسبت به مسلمانان و ناخرسندی آنان در زمانی که به مسلمانان خیری رسیده باشد، پرده برداری کرده است:

﴿مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ﴾ (بقره: ۱۰۵)

از میان اهل کتاب آنان که کافر شدند، و نیز مشرکان، دوست نمی‌دارند که از جانب پروردگار به شما خیری برسد.

منظور از «خیر» در این آیه را چیزی دانسته‌اند که خداوند از قرآن، احکام و مقررات بر پیامبرش وحی کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۳۴۴) تنوین

این کلمه برای تقلیل است و این پیام را می‌رساند که کافران، نه فقط نعمت رسالت، بلکه نمی‌خواهند کمترین خیری به مؤمنان برسد. (جوادی آملی، تابستان ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۵۱)

فرمان خداوند به حج‌گزاری نوعی جهاد کبیر در برابر این تمایل دشمنان به شمار می‌رود؛ زیرا در این مراسم، قربانی صورت می‌گیرد و گوشت آن میان فقرا و نیازمندان تقسیم می‌شود و از جانب حاجیان، خیری به فقرا می‌رسد: ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾؛ «پس از آنها بخورید و بینویان فقیر را نیز اطعام کنید» (حج: ۲۸) و در جای دیگر فرمود: ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾؛ «از آنها بخورید و فقیران قانع و گدایان را اطعام کنید». (حج: ۳۶)

در آیه اول، منظور از «البائس» کسی است که شدت گرسنگی بر او فشار آورده، و «الْفَقِيرَ» نیز کسی است که هیچ چیزی برای خوردن یا زندگی ندارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۱۰) امر به خوردن از قربانی به عنوان حکم ترخیصی و اطعام فقیر به عنوان حکم الزامی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۷۱)

در آیه دوم نیز «القانع» کسی است که به آنچه دارد یا به او داده می‌شود، بسنده می‌کند و درخواست اضافه ندارد و «المُعْتَرَّ» کسی است که درخواست اطعام دارد. (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۱۹)

در ابتدای آیه، حیواناتی که برای قربانی در مراسم حج استفاده می‌شوند، به عنوان خیر معرفی شده‌اند: ﴿وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ﴾؛ «شتران قربانی را برای شما از شعائر خدا قرار دادیم. شما را در آن خیری است» (حج: ۳۶)؛ خواه خیر دنیوی و خواه خیر اخروی. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۳۷)

بنابراین علی‌رغم آنکه دشمنان از رسیدن هر خیری به مسلمانان ناخشنودند، اما خداوند در حج‌گزاری، منسکی قرار داده که منشأ خیر دنیوی و اخروی است.



### ج) برائت از مشرکان و تشکیل امت واحده در برابر اتحاد با کافران

از جمله تمایلات دشمنان، دست کشیدن مسلمانان از دین خود و همسان شدن با آنان در کفر است: ﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً﴾؛ «دوست دارند همچنان که خود به راه کفر می‌روند شما نیز کافر شوید تا برابر گردید». (نساء: ۸۹)، لکن خدای متعال با تشریح مراسم حج، نه تنها از تحقق خواسته دشمنان جلوگیری کرده است، بلکه برائت و بی‌زاری از آنان را سرلوحه اعمال و مناسک حج قرار داده، و آن را با صدای بلند اعلام کرده است:

﴿وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ﴾ (توبه: ۳)

در روز حج بزرگ از جانب خدا و پیامبرش به مردم اعلام می‌شود که خدا و پیامبرش از مشرکان بی‌زارند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۸)

همچنین در قرآن کریم همنشینی و معاشرت همه حاجیان با یکدیگر در مراسم حج با هر میزان از دارایی و هر مسلک و عقیده‌ای، تمایل و خواست الهی دانسته شده: ﴿يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾؛ «تا پیاده یا سوار بر شتران تکیده از راه‌های دور نزد تو بیایند». (حج: ۲۷) این شکل از انجام اعمال، نشان از اراده الهی بر تمرین تشکیل امت واحده در حج دارد. با این تمرین، زمینه‌سازی جهاد کبیر در مخالفت با خواسته‌ها و آرزوهای دشمنان محقق می‌شود.

### د) دستیابی به آثار حج در برابر غفلت از امکانات

از دیگر خواسته‌های دشمنان، غفلت جامعه اسلامی از امکانات نظامی و اقتصادی خویش و غفلت از حضور دشمن است:

﴿وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً﴾ (نساء: ۱۰۲)

زیرا کافران دوست دارند که شما از سلاح‌ها و متاع خود غافل شوید تا یکباره بر شما بتازند.

این در حالی است که حج گزاری، به فرمایش امام رضا علیه السلام موجب رفع غفلت است:

فَإِنْ قِيلَ فَلِمَ أُمِرَ بِالْحَجِّ قِيلَ لِجَلَّةِ الْوَفَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ... كُلُّ ذَلِكَ لِطَلَبِ الرَّغْبَةِ إِلَى اللَّهِ... وَنِسْيَانِ الذِّكْرِ...

اگر گفته شود: چرا خلایق مأمور شده‌اند حج به جا آورند؟ گفته می‌شود: به خاطر وارد شدن بر خدای عزوجل و ... آنچه گفته شد به خاطر آن است که در بندگان رغبت و میل به باری تعالی پیدا شده و در عین حال ... و نسیان ذکر ... از او دور گشته. ( شیخ صدوق، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۷۳)

در تبیین رافع غفلت بودن حج، باید به عواملی چون ذکر خدا<sup>۱</sup> توجه کرد؛ زیرا از منظر قرآن کریم همه عوامل فوق از موجبات رفع غفلت است و همه آنها در حج، ظهور و بروز دارد. از سویی امر به یاد خدا در اعمال حج شده است:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾  
(بقره: ۲۰۰)

چون مناسکتان را به جای آوردید، همچنان که پدران خویش را یاد می‌کردید، حتی بیشتر از آن، خدای را یاد کنید.

و از سوی دیگر جامه احرام و حرکت‌های جمعی حاجیان، (فعالی،

۱. ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا قَامَيْتَ﴾؛ «و چون فراموش کنی، پروردگارت را به یاد آر» (کهف: ۲۴)، یاد نعمت‌ها و نعمت‌دهنده ﴿وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾؛ «و هر که از ذکر پروردگارش اعراض کند او را به عذابی دشوار دراندازد». (جن: ۱۷)، پندپذیری از تاریخ و سرنوشت گذشتگان پیشینیان ﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى﴾؛ «آیا آن همه مردمی که پیش از این در مساکن خویش راه می‌رفتند و ما همه را هلاک کردیم، سبب هدایت اینان نشده‌اند؟ در اینها نشانه‌هایی است برای خردمندان» (طه: ۱۲۸)، یاد مرگ ﴿أَيُّنَا تَكُونُوا يَدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّسْتَبَدَّةٍ﴾؛ «هر جا که باشید ولو در حصارهای سخت استوار، مرگ شما را در می‌یابد» (نساء: ۷۸) و یاد قیامت ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ «بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می‌کند. ما آیات را برایتان به روشنی بیان کردیم، باشد که به عقل درآیید» (حدید: ۱۷).

۱۳۸۶ش، ص ۳۴۳) و به تعبیر دیگر همه اعمال و مناسک حج، به نوعی یادآور مرگ و قیامت است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَاعْلَمَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَفْتَرِضِ الْحَجَّ وَ لَمْ يَخُصَّهُ مِنْ جَمِيعِ الطَّاعَاتِ بِالِإِضَافَةِ إِلَى نَفْسِهِ بِقَوْلِهِ  
تَعَالَى وَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ لَا شَرَعَ نَبِيَّهُ فِي خِلَالِ الْمَنَاسِكِ  
عَلَى تَرْتِيبٍ مَا شَرَعَهُ إِلَّا لِلِاسْتِعْدَادِ وَ الْإِشَارَةِ إِلَى الْمَوْتِ وَ الْقَبْرِ وَ الْبَعْثِ وَ الْقِيَامَةِ؛

بدان که خداوند، وجوب حج را اضافه به نفس خود کرد و در میان سایر عمل‌ها، این عمل شریف را نسبت به ذات شریف خود داد و فرمود: بر آدمیان است که از برای خدا به شرط استطاعت و قدرت، حج خانه کعبه کنند و پیغمبر او هیچ شرعی را از نزد خود در میان مناسک و طاعات در اعمال حج به ترتیبی که خداوند قرار داده، قرار نداد، مگر از برای استعداد موت و از برای اشاره کردن به مرگ و احوال قبر و احوال روز قیامت. (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۵۰)

همچنین در بخش‌های ابتدایی همین روایت مفصل از آن حضرت نقل شده که هرگاه حاجی اراده سفر حج کرد، چه اقداماتی را قبل و حین سفر، و چه مناسکی را انجام دهد؛ از جمله آنها خروج از مکه و حرکت به سمت سرزمین مناست که حضرت آن را زمینه‌ساز غفلت‌زدایی از دل دانستند: «وَ اخْرُجْ مِنْ غَفْلَتِكَ وَ زَلَّاتِكَ بِخُرُوجِكَ إِلَى مِنَى»؛ «بیرون بیا از غفلت و لغزش‌های خود با بیرون آمدن به سوی منا». (همان، ۴۸)

آیت‌الله خامنه‌ای حفظه الله نیز با تأکید بر لزوم هوشیاری حاجیان و عدم غفلت از دشمنی‌ها، (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۱۲) حج را از برترین تدابیر اسلام در غفلت‌زدایی دانسته است. به تعبیر ایشان «بین المللی بودن این مراسم، گویا این پیام را می‌رساند که امت اسلامی در هویت جمعی خود، موظف به غفلت‌زدایی از خویشتن است». (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۰/۱۹)

بنابراین از طریق حج‌گزاری می‌توان نسبت به غفلت‌زدایی که یکی از مصادیق جهاد کبیر است، اقدام کرد.

**ه) پای‌بندی به اصول در مقابل انحراف طلبی**

انحراف جامعه اسلامی از مسیر حق، از دیگر آرزوهای دشمنان است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است: ﴿وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ «ولی آنان که از پی شهوات می‌روند، می‌خواهند که شما به کجروی عظیمی افتید». (نساء: ۲۷) همچنین آنان آرزو می‌کنند که مسلمانان از اصول خود کوتاه آیند و با دشمنان مماشات کنند: ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ «دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی کنند». (قلم: ۹) نرمش و انعطاف در آیه (مداهنه) به معنای صرف نظر کردن از بخشی از فرمان‌های الهی به خاطر دشمنان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص ۳۸۳-۳۸۵)

در مقابل، قرآن کریم با اشاره به یکی از خرافات بازمانده از تفکرات جاهلیت در موسم حج، با بیان شیوه صحیح عمل، به مبارزه با خواسته مشرکان برخاست. در جاهلیت رسم چنان بود که اگر کسی برای حج احرام می‌بست، تا زمانی که حج وی به پایان نرسیده بود، از در خانه‌اش وارد نمی‌شد، بلکه در این ایام از سوراخ‌هایی که در پشت خانه‌ها ایجاد کرده بودند، وارد و خارج می‌شدند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۰۸).

﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ «و پسندیده نیست که از پشت خانه‌ها به آنها داخل شوید، ولی پسندیده راه کسانی است که پروا می‌کنند و از درها به خانه‌ها درآیند». (بقره: ۱۸۹) با نزول این آیه یکی دیگر از زمینه‌های جهاد کبیر با دشمنان در موسم حج تحقق یافت.

**و) یاد الهی در برابر بازداشتن از یاد خدا و مسیر حق**

بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، دشمنان به سرکردگی شیطان تلاش می‌کنند تا مسلمانان را از یاد الهی بازدارند. آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده به نمونه‌هایی از تلاش‌های دشمنان برای بازداشتن مؤمنان از یاد الهی اشاره کرده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلٍ

الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ \* إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ  
 الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ...»  
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و گرویندی با تیرها، پلیدی و  
 کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید \* شیطان می‌خواهد با شراب  
 و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد.

از اقدامات دیگری که کافران در راستای بازداشتن امت مسلمان از یاد الهی  
 انجام می‌دهند، ممانعت از حضور در مسجد الحرام، با ایجاد انواع موانع مادی و  
 معنوی است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...﴾؛ «آنهايي  
 را که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجد الحرام بازمی‌دارند...». (حج: ۲۵) مراد از  
 صِدَّ از «سَبِيلِ اللَّهِ» ممانعت از گسترش اسلام، و منظور از صِدَّ از «الْمَسْجِدِ  
 الْحَرَامِ»، نیز ممانعت از وارد شدن مؤمنان برای طواف، نماز و سایر عبادات در  
 آن است. عبارت «يَصُدُّونَ» نیز استمرار را می‌رساند؛ یعنی به صورت مداوم  
 چنین عملی را انجام می‌دادند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۶۶)

در مقابل ممانعت دشمنان از ذکر الهی میان مسلمانان، خداوند ایام  
 حج‌گزاری را سراسر یاد الهی قرار داده است: ﴿وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾؛  
 «و نام خدا را در روزهایی معین ... یاد کنند». (حج: ۲۸) و به صورت ویژه از لزوم یاد  
 خدا در مشعر الحرام یاد کرده است: ﴿فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا  
 هَدَاكُمْ﴾؛ «و چون از عرفات بازگشتید خدا را در مشعر الحرام یاد کنید» (بقره: ۱۹۸) و بر  
 استمرار یاد الهی حتی پس از پایان اعمال تأکید کرده است:

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا﴾  
 (بقره: ۲۰۰)

چون مناسکتان را به جای آوردید، همچنان که پدران خویش را یاد می‌کردید،  
 حتی بیشتر از آن، خدای را یاد کنید.

اینکه ﴿أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾، ده روز اول ماه ذی‌الحجه است یا از دهم تا سیزدهم

ذی الحجه، اختلاف نظر است، (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۱۲۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۷۴) اما براینده همه نظرها آن است که در آن روزها حاجیان باید یاد الهی را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند.

درآیه دوم نیز دستور به یاد الهی به گونه‌ای است که با نعمت هدایت خدای متعال برابر شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۸۰)

در توضیح آیه سوم نیز باید دانست که در دوران جاهلیت، حاجیان پس از پایان اعمال حج، در گوشه‌ای از منا جمع می‌شدند، مفاخر پدران و نیاکان خود را بر می‌شمردند. در این آیه دستور داده شد که به جای این تفاخرات در آن مکان به یاد خدا باشید، نعمت‌های خدا را یادآوری کنید و شکر آنها را به جای آورید. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۵۲۹)

بنابراین یاد خدا در دل و زبان و شکر نعمت‌های او و تداوم آن باعث اعتلای کلمه الهی و مخالفت با آرزوی دشمنان در به خاموشی کشاندن نور خدا و دین اسلام و در راستای انجام جهاد کبیر است.

### نتایج پژوهش

۱. راهکارهای عمومی انجام جهاد کبیر در موسم و مراسم حج

- فرمانبری از خداوند در برابر کفرطلبی
- ایمان و عبادت در برابر گمراهی
- توحیدورزی و اجتناب از شرک در برابر تبعیت از طاغوت
- رفتار برادرانه با دیگر مسلمانان در برابر دشمنی و خشم
- رعایت تقوا در برابر گسترش فساد

۲. راهکارهای اختصاصی انجام جهاد کبیر در موسم و مراسم حج

- اتحاد و اجتماع در مقابل تفرقه‌طلبی
- دستگیری از نیازمندان در مقابل خیرخواهی
- برائت از مشرکان و تشکیل امت واحده در برابر اتحاد با کافران
- دستیابی به آثار حج در برابر غفلت از امکانات

- پای‌بندی به اصول در مقابل انحراف طلبی
  - یاد الهی در برابر بازداشتن از یاد خدا و مسیر حق
- در حقیقت خداوند ایام حج و مناسک خاص آن را به نحوی قرار داده است که نه تنها خواسته‌ها و تلاش‌های یک‌ساله دشمنان، بلکه نقشه‌های متعدد و مستمر آنان نقش بر آب شود و مسلمانان با حضور جمعی در سرزمین وحی، گرداگرد خانه خدا و همنشینی با دیگر هم‌کیشان خود، علاوه بر زنگارزدایی از دل و کسب معنویات و فیوضات الهی برای ادامه زندگی به جهاد کبیر با کافران و دشمنان مسیر حق پردازند. بر همین اساس، برنامه‌ریزی مدیران و کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج برای انجام حج ابراهیمی ع‌ا‌س‌و و محمدی ص‌ل‌ل‌ه‌ع‌و‌آ در راستای زمینه‌سازی انجام جهاد کبیر لازم است. از سوی دیگر آمادگی و اقدام زائران و حج‌گزاران، به عنوان شخصیت‌های اصلی میدان مبارزه برای انجام جهاد کبیر، به ویژه در ایام حج، زمینه بهره‌گیری از منافع حج را نمایان‌تر می‌سازد.

## منابع

قرآن کریم، ترجمه آیتی، عبدالمحمد، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.

## کتابها

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ، چاپ اول.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، محقق/مصحح: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، چاپ سوم.
۴. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۵. ابوالسعود، محمد بن محمد (بی تا). ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی

(۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان

فی تفسیر القرآن، محقق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

۷. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲ش). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، مبانی، اصول، قواعد و فواید، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، محقق: محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

۹. جزایری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق). ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینه منوره، مکتبه العلوم و الحکم، چاپ اول.

۱۰. جعفر بن محمد رضی الله عنه (۱۴۰۰ق). مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی، چاپ اول.

۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش). تفسیر تسنیم، محقق: حسن واعظی محمدی، قم، اسراء، چاپ هشتم، ج ۱۰.

۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش). ادب فنای



مقربان، محقق: محمد صفایی، قم، اسرا، چاپ اول.

۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ش). تفسیر تسنیم، محقق: حسن واعظی محمدی، قم، اسرا، چاپ هشتم، ج ۶.

۱۴. حجازی، محمد محمود (۱۴۱۳ق). التفسیر الواضح، بیروت، دارالجمیل الجدید، چاپ دهم.

۱۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش). تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، چاپ اول.

۱۶. حسینی همدانی، سید محمد (۱۴۰۴ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن، محقق: محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، چاپ اول.

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۷). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱۲، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). پیام به حجاج بیت‌الله الحرام در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۹، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۳، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۶، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

۲۱. خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق). عناية القاضی و كفاية الراضی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

۲۲. دهقان، اکبر (۱۳۸۸ش). درسنامه با قرآن در مکه و مدینه، تهران، بعثه مقام معظم رهبری، چاپ اول.

۲۳. دهنی، معاویه بن عمار (۱۴۳۱ق). کتاب الحج، تهران، مشعر، چاپ اول.

۲۴. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت و دمشق، دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.

۲۵. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۸ق). تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول.

۲۶. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم.

۲۷. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ اول.

۲۸. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر (۱۴۲۱ق). **الإتقان فی علوم القرآن**، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
۲۹. شبر، سیدعبدالله (۱۴۰۷ق). **الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین**، محقق: سیدمحمد بحرالعلوم، کویت، مكتبة الألفین، چاپ اول.
۳۰. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). **الأمالی**، تهران، کتابچی، چاپ ششم.
۳۱. ——— (۱۳۸۵ش). **علل الشرائع**، قم، کتاب فروشی داوری، چاپ اول.
۳۲. صابونی، محمدعلی (۱۴۲۱ق). **صفوة التفاسیر تفسیر للقرآن الکریم**، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۳۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة**، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۳۴. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق). **الجدول فی اعراب القرآن**، دمشق و بیروت: دارالرشید و مؤسسة الإيمان، چاپ چهارم.
۳۵. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). **بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد**، محقق/مصحح: محسن کوجه باغی، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ دوم.
۳۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، محقق: محمدجواد بلاغی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). **التبیین فی تفسیر القرآن**، محقق: احمد قصیرعاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۳۹. علی بن موسی علیه السلام (۱۴۰۶ق). **الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا**، مشهد، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۴۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۴۱. فضل الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). **تفسیر من وحی القرآن**، بیروت، دارالملاک للطباعة والنشر، چاپ دوم.
۴۲. فعالی، محمدتقی (۱۳۸۶ش). **اسرار عرفانی حج**، تهران، مشعر، چاپ اول.

۴۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق).  
**الأصفي في تفسير القرآن**، محقق:  
 محمدحسين درايي و محمدرضا نعمتي،  
 قم، مركز انتشارات دفتر تبليغات  
 اسلامي، چاپ اول.

۴۴. فيضي دكني، ابوالفضل (۱۴۱۷ق).  
**سواطع الالهام في تفسير كلام الملك  
 العلام**، محقق: سيدمرتضى آيت الله زاده  
 شيرازي، قم، دارالمنار، چاپ اول.

۴۵. قاسمي، محمدجمال الدين  
 (۱۴۱۸ق). **محاسن التأويل (تفسير  
 القاسمي)**، محقق: محمدباسل عيون  
 السود، بيروت، دارالكتب العلمية، چاپ  
 اول.

۴۶. قرطبي، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش).  
**الجامع لأحكام القرآن**، تهران، ناصر  
 خسرو، چاپ اول.

۴۷. قطب، سيد (۱۴۱۲ق). **في ظلال  
 القرآن**، بيروت و قاهره، دارالشروق،  
 چاپ هفدهم.

۴۸. قمي مشهدي، محمد بن محمدرضا  
 (۱۳۶۸ش). **تفسير كنز الدقائق و بحر  
 الغرائب**، محقق: حسين درگاهي، تهران،  
 سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد  
 اسلامي، چاپ اول.

۴۹. كاشاني، ملافتح الله (۱۴۲۳ق). **زبدة**

**التفاسير**، محقق: بنياد معارف اسلامي،  
 قم، بنياد معارف اسلامي، چاپ اول.

۵۰. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق).  
**الكافي**، تهران، دارالكتب الإسلامية،  
 چاپ چهارم.

۵۱. گنابادي، سلطان محمد (۱۴۰۸ق).  
**تفسير بيان السعادة في مقامات العبادة**،  
 بيروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات،  
 چاپ دوم.

۵۲. مدرسي، سيدمحمدتقي (۱۴۱۹ق).  
**من هدى القرآن**، تهران، دار محبي  
 الحسين، چاپ اول.

۵۳. مظهری، محمدثناءالله (۱۴۱۲ق).  
**التفسير المظهری**، محقق: غلامنبي  
 تونسي، پاکستان، مكتبة رشديه.

۵۴. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق).  
**التمهيد في علوم القرآن**، قم، مؤسسة  
 النشر الاسلامي، چاپ دوم.

۵۵. مغنيه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). **تفسير  
 الكاشف**، تهران، دارالكتب الإسلامية،  
 چاپ اول.

۵۶. \_\_\_\_\_ (بی تا). **التفسير المبين**،  
 قم، بنياد بعثت، چاپ سوم.

۵۷. مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۷۴ش).  
**تفسير نمونه**، تهران، دارالكتب الإسلامية،  
 چاپ اول.

۵۸. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش).

کشف الأسرار و عدة الأبرار، محقق:

علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیر

کبیر، چاپ پنجم.

۵۹. نووی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق).

مراح لیبد لکشف معنی القرآن المجید،

محقق: محمدآمین الصناوی، بیروت،

دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

۶۰. واحدی نیشابوری، علی بن احمد

(۱۴۱۵ق). الوجیز فی تفسیر الكتاب

العزیز، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.

### نرم افزارها

۶۱. قاموس النور ۲، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی.

۶۲. کتابخانه دیجیتال، اسراء.

۶۳. کتابخانه جامع حج ۳، مرکز

تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۶۴. جامع تفاسیر نور ۲/۵، مرکز

تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

۶۵. جامع الأحادیث ۳/۵، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی.

۶۶. حدیث ولایت، مرکز تحقیقات

کامپیوتری علوم اسلامی.